

# حالا حالاها وقت هست



مجموعه داستان

ای. ال. دکتروف

ترجمه‌ی

همید امانیانی، یگانه وصالی



انتشارات مروارید

www.ketab.ir



## فهرست

|     |                     |
|-----|---------------------|
| ۵   | مقدمه‌ی نویسنده     |
| ۹   | ویکفیلد             |
| ۵۳  | بلوار اجمونت        |
| ۷۳  | پذیرش               |
| ۹۹  | والتر جان هارمن     |
| ۱۳۳ | خانه‌ای در دشت      |
| ۱۶۳ | داستان زندگی جولین  |
| ۱۹۹ | نویسنده‌ی خانواده   |
| ۲۱۷ | ویلی                |
| ۲۲  | شکارچی              |
| ۲۴۵ | حالا حالاها وقت هست |

## مقدمه‌ی نویسنده



رمان مانند تصویر، در تمام زوایای گویی در ذهن آغاز می‌شود، چون گفت‌وگویی کوتاه، قطعه‌ای موسیقی، رخدادی که در زندگی دیگری افتاده و تو آن را خوانده‌ای و یا به‌سان خشی افسارگسیخته. لیکن در هر صورت امری است که جهانی معنی‌دار می‌آفریند و زشتن رمان به یک مکاشفه می‌ماند. می‌نویسی تا دریابی که چه می‌خواهی بنویسی و وقتی سرگرم نوشتن هستی، جملات زایایی می‌یابند و درمی‌یابی به انت از پیش در همان تصویر ذهنی نقل شده است؛ در همان قطعه نغمه‌وار ظهور کرده و در آفرینش خودش مشارکت می‌کند و به تو می‌گوید چه هست و چگونه باید محقق شود.

لیکن برخلاف رمان، داستان کوتاه مانند یک وضعیت در آنجا پیش می‌آید. وضعیتی که شخصیت‌ها و فضای داستان به‌طرز غیرقابل تغییر، به آن متصل هستند. داستان‌های کوتاه قاطع و نابهنگام هستند؛ لحن و فضایشان از پیش تعیین شده و تغییرناپذیر است. اصلاً این‌طور نیست که بخواهی طرح‌ریزی‌شان کنی. داستان‌ها سرزده و بی‌دعوت می‌آیند و کمابیش کامل، و طلب می‌کنند تا همه چیز را کنار بگذاری و پیش از آنکه چنان رؤیایی

محو شوند، بنویسی شان.

هر گونه‌ی داستانی، مقتضیات خاص خود را دارد - درباره‌ی داستان کوتاه مطلب از این قرار است: سنگینی و صلابت جملات، آن هم وقتی قرار است جملات اندکی نوشته شود، درواقع بازگشت سریع، یک سرمایه‌گذاری زیبایی‌شناختی است.

هنگامی که سرگرم جمع‌آوری داستان‌های کوتاه برای این مجموعه بودم، با خود گفتم هیچ «وینزبرگی»<sup>۱</sup> در کار نیست که بخواهی نگران وجه انسانی‌اش باشی. این داستان‌ها مجموعه‌ای بسیط و گسترده را تشکیل می‌دهند. این داستان‌ها سرتاسر آمریکا، از نیویورک تا حومه، جنوب، غرب میانه و غرب را دربرمی‌گیرند. یکی در اروپا و دیگری در ناکجاآبادی که نمی‌شود تشخیص داد، رخ می‌دهد. شک دارم که تمامی داستان‌های گردآمده در یک مجموعه، به‌احراز باید نشانه‌ای واحد دربرداشته باشند، ردیابی که همه‌ی آنها را با یکدیگر مرتبط سازد. لیکن اگر این داستان‌ها، از لحاظ جغرافیایی منسجم نیستند، اگر در یک بازه‌ی زمانی به فراخی قرن نوزدهم تا لحظه‌ای در آینده رخ می‌دهند و اگر الحان متفاوتی دارند، از جمله اعتراضی، دانای کل، یا بعضاً به‌طرز فراموش‌نشدنی دچار سیالیت ذهن می‌شوند، اما عنصری وحدت‌بخش آنان را به دست می‌دهد و آن از خودگسیختگی درونی قهرمانانشان است. قالب داستان کوتاه طلب می‌کند تا به سراغ افرادی بروی که به دلایلی از پیرامونشان متمایزند - افرادی که به‌نوعی با جهان مسلط پیرامونشان در کشاکشند.

این داستان‌ها در طول سالیان متمادی نوشته شده. هر کدامشان بیش و روشنایی خاص خودش را دارد که بی‌شک از مخاطب انتظار دیدن آن را

۱. اشاره به داستان «وینزبرگ اوهایو» نوشته‌ی شرود اندرسون که زمانی متشکل از چندین داستان کوتاه به‌هم‌پیوسته است. این رمان در مورد روزگار پسرچه‌ای به نام جرج ویلارد است که در این شهر بزرگ شده و در نهایت آن را ترک می‌گوید.

ندارم. گویی من وضع ذهنی خود را در زمان نگارششان به آنان تابانده‌ام و یا حس و حال هر جایی که در زمان به روی کاغذ آوردنشان بوده‌ام را در آنان بر جای گذاشته‌ام. لیکن داستان‌ها را با ملاک ذهنی یکسانی گرد هم آورده‌ام - قاعده‌ای نظام‌مند دال بر اینکه هیچ‌کدام از این داستان‌ها بر دیگری رجحان ندارد.

ای. ال. دکتروف

نوامبر ۲۰۱۰

www.ketab.ir